

کوروش مدرسی

نکاتی پیرامون سیاست تشکیلاتی حزب در ایران

صفحه ۲

بی بی سی رسانه خبری نیست، یک حزب سیاسی دست راستی است. صفحه ۲

فراخوان به اعضا و دوستان حزب در خارج کشور! صفحه ۲
صفحه حزب صفحه ۳
رویدادهای ایران صفحه ۴
رسانه‌های عمومی یا افیون توده‌ها! صفحه ۴

فاتح شیخ الاسلامی

روسیه در بحران

بحران اقتصادی بغرنجی در سایه سلطه مطلق بازار، روسیه را به تلاطم کشیده است. از دهها میلیون کارگری که گذرانشان بجای دستمزد از درآمد حرفه خود بلکه از شغل دوم لوله کشی، جوشکاری، دلالی دلار و غیره زندگی می کنند، معیشت ۹۰٪ جمعیت، روزمره به دست مشتی سرمایه دار که ثروت جامعه را در پنگ خود گرفته اند زیوررو میشود. سرنوشت سیاسی این مردم بهتر از وضعیت اقتصادی شان نیست. یلتسین، چوبایس، کریینکو و دیگر زمامداران روسیه، همه عروسک هائی هستند که انگلستان کاملاً مرئی مافیای روسی آنها را به حرکت در می آورد. مافیائی که خود با هزاران بند به الیگارشلی جهانی سرمایه مالی از بانک جهانی تا میلیاردرهای سلطانشاسی چون "جورج سوروس" وصل است. یلتسین با شارلاتانیسم دولتی و قلچماقی شخصی اش نماینده سیاسی این مافیا و پرزیدنت عزیز کرده سرمایه داخلی و جهانی در این مقطع از تاریخ روسیه است.

او طی سالهای گذشته به کمک چرنومیردین، که میکوشد نقش "تالیران" سیاست داخلی روسیه را بازی کند، توانست بالانس بندبازانه شکننده ای را در راس حاکمیت برای خود حفظ کند. اما این برای جامعه روسیه، به قیمت فقر و صف نشدنی اکثریت مردم و بغرنج تر شدن بحران اقتصادی تمام شد. با وخیم تر شدن اوضاع، یلتسین چند ماه پیش چرنومیردین را قربانی کرد، بازاری کارپرستی بنام کریینکو را به نخست وزیری گماشت و بجای پاسخگوئی به خواست کارگرانی که بخاطر دریافت دستمزدهای معوقه شان خطوط راه آهن را بند آورده بودند "قاطعانه" برنامه شوک اقتصادی و رها کردن کل سرنوشت جامعه در چنگال بازار را در دستور گذاشت. این برنامه ظرف پنج ماه روسیه را به گرداب بزرگترین بحران پولی راند. اکنون یلتسین مجدداً دست به دامن چرنومیردین شده تا فرصت دیگری برای ادامه شارلاتانیسم سیاسی و "رفرم" اقتصادی اش بخرد. هفت سال پس از بن بست تاریخی و سقوط رژیم سابق، حیات سیاسی و اقتصادی روسیه بار دیگر دستخوش بحران و بن بست فراگیری شده است.

ابعاد این بحران به روسیه محدود نمانده و هم اکنون بورسهای جهان را از توکیو تا نیویورک متزلزل کرده است. اهمیت موقعیت جدید روسیه برای جهان سرمایه داری آشکار است. قدرتهای بزرگ موسوم به "گروه ۷" سال گذشته با آوردن روسیه به جرگه خود، و تبدیل "G7" به "G8"، به دخالت و مسئولیت جمعی خود در قبال سرنوشت اقتصاد و سیاست در این کشور رسمیت دادند. جنبه های اقتصادی بحران جاری البته بسیار حاد است اما آنچه این قدرتها را بیشتر نگران می کند پیامدهای سیاسی آن است. آنها مسلماً برای جلوگیری از قدرتیابی مدافعان رژیم سابق، به چاره جوئی این بحران خواهند کوشید. فرجام آن، با توجه به پیچیدگی اوضاع و تناقضات و رقابتهای درون خود این قدرتها، چه خواهد شد معلوم نیست. قدر مسلم آنکه بانک جهانی، اعطای وام ۲۲ میلیارد دلاری اش را به ادامه سیاست تاکنونی یلتسین مشروط کرده است حال آنکه همه چیز بر این دلالت دارد که یلتسین زیر فشار داخلی ناچار است اقتصاد مهارکسیخته بازار را که طی هفت سال گذشته تنها راه پیوستن روسیه به سیستم جهانی سرمایه قلمداد شده، برفع نوعی کنترل دولتی، که مورد درخواست اپوزیسیون مدافع رژیم سابق است، کنار بگذارد. این "برج پیزا" را قرار است چرنومیردین معماری کند. اما راه برون رفت از بحرانی که هفت سال پس از فروپاشی مدل سابق، جامعه را مجدداً در آستانه سقوط اقتصادی و تلاطم سیاسی قرار داده، نه سیاست چرنومیردین در جهت ایجاد یک بالانس "طلاتی" میان اقتصاد بازار و کنترل دولتی، نه ادامه قلچماقی یلتسین یا کنار رفتن او، نه وام ۲۲ میلیاردی بانک جهانی - که یکماهه توسط مافیا بلعیده میشود و آنچه به دولت روسیه میرسد کفاف دستمزد معوقه کارگران را

لاجوردی جلاد ترور شد

صفحه ۲

در ۲۱ سپتامبر متحدانه به رژیم صد هزار اعدام اعتراض کنید!

مردم ایران برای خاتمه دادن به کابوس رژیم اسلامی لحظه شماری میکنند. کشتی اسلام همراه ای ها، رفسنجانی ها و خاتمی هایش به گل نشسته است. از نظر منافع مردم ایران، اسلام سیاسی با جناحهای حاکم و اپوزیسیونش بی اعتبار شده اند و باید زحمت را هر چه زودتر کم کنند. این پیام هر روز و با هزار زبان توسط مردم محروم بیان میشود. پیامی که بگوش همگان رسیده است و بیش از هر کس خود جناحهای رژیم را به وحشت انداخته است. جنگ خاتمی ها و خاتمه ای ها و رفسنجانی ها و دیگر اعوان و انصار اخراجی و منتظر خدمت رژیم اسلامی، جنگی علیه این آرزوی شیرین مردم است. جنگی برای به عقب راندن مردم و تداوم بساط تنگین شان است.

دولتهای غربی، رسانه هایی مانند بی. بی. سی. و سی. ان. ان. و اپوزیسیون ملی و اسلام زده نیز در جنگ جناحها بشدت فعالند. دو دهه قبل اینها رژیم اسلامی را به مردم حقنه کردند و امروز میخواهند با تغییراتی کنترل شده نگاهش دارند. منافع اینها نیز حکم میکند که به مردم دروغ بگویند، حقایق را کتمان کنند، اعتراض مردم را در چهارچوب جناحهای مورد نظرشان محدود کنند، برای حفظ کلیت رژیم زمان بخرند، و نهایتاً دخالت مردم را منتفی کنند. تامین حضور سیاسی رژیم در خارج جزئی از این سیاست است. اما رژیم اسلامی با ژست دیپلماتیک و مطبوعات پسند در خارج، زندان و گرسنگی و انتظار در داخل، آخرین تقلائی خود را میکند. جمهوری اسلامی در بن بست کامل سیاسی و اقتصادی خود بسر میبرد. رژیم دو دهه وحشت و جنایت رفتنی است. هر گونه مشروعیت دادن به این رژیم در خارج، تلاش برای سرپا نگهداشتن آن در داخل است. این سیاستی علیه منافع و مبارزه و خواستههای برحق اکثریت قاطع مردم ایران است. این سیاستی برای کنار آمدن با رژیم اسلامی است و باید در مقابل آن ایستاد. پای رژیم اسلامی باید از خارج کشور کوتاه شود. نباید اجازه داد که عوامفریبی رژیم در خارج دستمایه تقویت ماشین سرکوبش در داخل شود. منفعت سیاسی و خواست میلیونها مردم متنفر از اسلام و رژیم اسلامی در ایران حکم میکند که در خارج کشور بساط این رژیم جمع شود. سران این رژیم دستشان تا مرفق به خون مردم بیگناه آلوده است و باید همه آنها در پیشگاه مردم محاکمه شوند.

در ۲۱ سپتامبر، با شرکت خود در آکسیونهای حزب کمونیست کارگری ایران علیه رژیم اسلامی اعتراض کنید و همصدا با ما اعلام کنید:

شرط آزادی مردم سرنگونی رژیم اسلامی است
زنده باد حکومت کارگری!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ اوت ۹۸

هم نمیدهد - و نه البته بازگرداندن اقتصاد دولتی به بن بست خورده سابق است؛ بلکه حرکت طبقاتی کارگران است که بیشترین فشار مشقات این بحران و نظام اجتماعی پشت سر آن بر دوش آنان سنگینی میکند. کارگران روسیه از تجربه ماهیت و عملکرد ضدانسانی نظام سرمایه داری، اعم از مدل دولتی و بازار آزاد، کم نیاورده اند، آنچه برای برپائی یک انقلاب کارگری جدید لازم دارند صف متشکل و نیرومند طبقاتی و پرچم استقلال سیاسی و عملی شان در راستای چنین انقلابی است؛ انقلابی که با لغو کار مزدی و برانداختن مالکیت خصوصی بر وسائل تولید، کار ناتمام انقلاب اکتبر را به اتمام برساند.

مصطفی صابر

رژیم اسلامی در تقلائی بود و نبود

اقتصاد ایران در فلج کامل است. این را همه میدانند. مردمی که سالهاست از اختناق جمهوری اسلامی به تنگ آمده اند، بسیاری شان نه کار دارند، نه دستمزد میگیرند و نه اگر بگیرند قادر به تامین نیازهای اولیه خود در این گرانی سرسام آور اند. اوضاع بسوی یک انفجار عظیم میروند. رفسنجانی در نماز جمعه بروشنی در مورد این اوضاع گفت که این بحران اقتصادی با همه نمونه های قبلی متفاوت است. او به همه جناحها هشدار داد که تا دیر نشده، همه با هم پشت شعار "سازندگی" یکی شوند. خاتمی هم با برنامه "سامان اقتصادی" اش همین را گفت. برنامه ای که معدلی از دیدگاههای اقتصادی جناحهای مختلف است. برنامه ای برای وحدت کل رژیم. خاتمه ای برای "سامان اقتصادی" به به و چه چه کرد. ناطق نوری اعلام کرد صددرصد پشت این برنامه است. و بعد از آن مجلس و دولت برای "همنظری" در مورد "برنامه سامان اقتصادی، مسائل امنیتی کشور و منطقه" جلسات مخفی گذاشتند. وزیر اطلاعات و امنیت گفت که یک وظیفه اصلی وزارتخانه اش تامین "امنیت اقتصادی" جهت اجرای برنامه سامان اقتصادی است. این عملاً معنایی جز سرکوب بیش از پیش اعتراضات و اعتصابات کارگری و محکم کردن حلقه های اختناق در کل جامعه ندارد.

رژیم اسلامی در منگنه نفرت عمیق مردم، با یک بحران بی سابقه اقتصادی روبروست که علاوه بر دلایل خانگی جزئی از گردباد جهانی اقتصادی است که تا بحال ژاپن، آسیای دور، روسیه و کشورهای تولید کننده نفت را به کام خود کشیده و همچنان در کار پیشروی است. رژیم اسلامی به روشنی میداند که در قبال این بحران اتفاقاً راه حل اقتصادی ندارد. با کاهش درآمد نفت به نصف و کمتر، همانطور که رفسنجانی هم گفت، دست دولت بیش از هر وقت، حتی بیش از زمان جنگ، بسته است. تنها راه حکومت برای حفظ خود یک راه حل سیاسی است که همه جناحهای رژیم را در چگونگی مقابله با مردم متحد کند. برنامه سامان اقتصادی خاتمی و یا سازندگی رفسنجانی اسم رمزی برای اتحاد و انسجام سیاسی کل رژیم است. اینکه رژیم چگونه به این اتحاد و انسجام دست یابد اتفاقاً موضوع اصلی بحث در پشت درهای بسته مجلس و دولت و محافل بالای رژیم است. آیا "زهر" به میدان خواهد آمد و با فرمان اعلام جهاد علیه فلان قدرت منطقه ای امور را به دست خواهد گرفت؟ آیا اعلام وضع فوق العاده خواهد شد و "شورای مصلحت نظام" حکومت را بدست خواهد گرفت؟ ... پیش بینی قطعی غیرممکن است. آنچه قطعی است اینست که همزمان شدن بحران عمیق سیاسی و اقتصادی، رژیم اسلامی را در آستانه فروپاشی قرار داده است. این رژیم جنایتکار در تقلائی مرگ خویش به هر چیزی ممکن است متوسل شود.

اما همه چیز یکطرفه توسط رژیم اسلامی تعیین نمی شود. تحرک سیاسی یکی دو سال اخیر مردم حتی به ژورنالیستهای دست به سینه هم نشان داده است که فاکتور تعیین کننده در اوضاع سیاسی ایران کارگران، زنان و توده های ناراضی مردم اند. سرنوشت مردم، قربانی شدن ناگزیر زیر دست و پای رژیمی که هیچگونه حقانیتی در این پایان قرن بیستم ندارد، نیست. راه دیگر انقلاب کارگری است. انقلابی برای رهایی و آزادی سیاسی و اقتصادی همه انسانها. انقلابی که نیروی وسیع ترین توده های انسانی را برای بدست گرفتن سرنوشت خود به دست خود، به حرکت درمیآورد. طبقه کارگر و اتحاد و مبارزه سراسری او هسته و محور اصلی این انقلاب است. تنها این نیروست که میتواند جامعه را از سرنوشت سیاهی که جمهوری اسلامی و طرفداران رنگارنگش در تدارک آن هستند نجات دهد.

نکاتی پیرامون سیاست تشکیلاتی حزب در ایران

گسترش مبارزات مردم در ایران طبعاً در گسترش دامنه فعالیت احزاب غیرقانونی بازتاب می یابد. تحرک اخیر مردم در ایران نیز همین نتیجه را داشته است. دامنه فعالیت تشکیلاتی حزب کمونیست کارگری ایران در حال گسترش است. امری که حزب، فعالین، اعضا و دوستان آن باید به استقبال آن بروند و بکوشند تا از فرصت بوجود آمده برای استقرار حزبی قوی و دخیل در سرنوشت سیاسی ایران حداکثر استفاده را ببرند. این گسترش فعالیت اما مسائل و پیچیدگی‌های خود را بهمراه دارد. مسائلی که از تغییر اوضاع و جلب شدن افراد و محافل مختلف به حزب ناشی میشود. محافل و جمع‌هایی که با سیاست ها، شیوه ها و ضوابط کار ما آشنا نیستند. این هم شامل فعالین جوانتری میشود که تجربه کار متشکل کمتری دارند و هم فعالینی را در بر میگیرد که تجربه مشخص کار با حزب ما را ندارند. در این راستا کمیته داخل حزب کمونیست کارگری ایران خواهد کوشید تا منظم مسائل و پیچیدگی‌های تشکیلاتی و سیاسی این رشد در شرایط متحول را در اشکال مختلف (کتاب، جزوه، نوار، نوشته های کوتاه و غیره) مطرح کرده و مورد بحث قرار دهد. در این نوشته میخواهم بحث را به تکرار و تاکید مجدد بر چند نکته اساسی در سیاست تشکیلاتی حزب محدود کنم. منظور از سیاست تشکیلاتی در اینجا آن سیاست‌هایی است که نه به سبک کار، سیاست سازماندهی و شیوه‌های پایهای و پایدار فعالیت حزب بلکه به اشکال سازمانی منوط است که از تعادل قوا در جامعه و موقعیت حزب ناشی میشود و محور اصلی آن سازماندهی منفصل است. در این رابطه نا روشنی‌هایی وجود دارند که پرداختن به بعضی از جوانب این سیاست را ضروری میکند.

۱- در تعیین سیاست تشکیلاتی حزب، یعنی سازماندهی منفصل، باید به تفاوت دو نوع سازمان دقیقاً توجه کرد. اول سازمان حزبی به معنی اخص کلمه است و دیگری شبکه محافلی است که تشکیلات حزب به آنها متصل است و یا اساساً بر متن آنها کار میکند. سازماندهی منفصل سیاست تشکیلاتی حزب به معنی اخص کلمه است و نه

سیاست در مورد شبکه‌های محافل کارگری و یا هر نوع دیگر آن. واحد پایه تشکیلات حزب، بمعنی اخص آن، حوزه حزبی است که از تجمع چند عضو حزب تشکیل میشود. این حوزه در ادامه فعالیت اعضای متشکل در آن بر متن روابط طبیعی آنها تشکیل میشود. ما از همه کسانی که خود را در اهداف و برنامه حزب شریک میدانند دعوت میکنیم که حوزه‌های حزبی تشکیل دهند و فعالیت خود را متشکل کنند. وظایف این حوزه‌ها و رابطه آنها با شبکه‌های محافل کارگری و غیرکارگری در نوشته‌های دیگر به تفصیل مورد بحث قرار گرفته و در فرصت دیگری مجدداً به آنها خواهیم پرداخت. بهر صورت شکل گیری حوزه حزبی منوط به تماس با حزب نیست. اما اولین وظیفه آن برقراری تماس با حزب است. در شرایط متعارف ارگان یا واحد حزبی بالاتر از حوزه، کمیته حزبی است. اما در شرایط پلیسی حاکم بر ایران و با توجه به خطرات امنیتی که فعالیت متشکل و کمونیستی را تهدید میکند، سیاست ما مبتنی بر سازماندهی منفصل است. بر مبنای این سیاست حوزه‌های حزبی مستقیماً به کمیته داخل حزب کمونیست کارگری ایران متصل خواهند بود. سیاست ما در شرایط کنونی ایجاد یک سازمان هرمی از حوزه‌ها و کمیته‌های حزبی در داخل ایران نیست. یک استثنا کمیته کردستان است که مستقیماً در راس شبکه حوزه‌ها و جمع‌های حزبی در کردستان قرار دارد. اما در این حالت نیز این حوزه‌ها و جمع‌ها خود بشکل منفصل سازمان داده میشوند و مستقیماً به این کمیته متصل میشوند. شبکه محافل کارگری از طرف دیگر این محدودیت را ندارند. این شبکه ها رسماً جزئی از حزب نیستند، پیوستن به آنها به معنی ارتباط با حزب نیست و محدودیتی در مورد گسترش آن وجود ندارد. شبکه‌های محافل کارگری بمراتب وسیع‌ترند، محیط‌ها، کارخانه‌ها و محلات متعدد را در بر میگیرند و بر بستر روابط فعالین کارگری و کارگران معترض شکل میگیرند و رشد میکنند. شبکه‌های محافل غیرکارگری مانند محافل روشنفکری یا جوانان و زنان نیز در اساس از همین قاعده تبعیت میکنند. ما در جای دیگر بیشتر

۲- امروز ادبیات حزب، اعم از نشریات، کتب، جزوات و نوارها و غیره، وسیعتر از سابق پخش میشوند. بسیاری بسادگی میتوانند این ادبیات را داشته باشند. این نشریات و نوشته‌ها در اغلب اوقات در دسترس کسانی قرار میگیرند که هیچ ارتباطی با حزب ندارند. داشتن این ادبیات و دسترسی به آنها نه نشان دهنده رابطه با حزب است و نه باید به تنهایی محمل ایجاد رابطه و اعتماد گردند. رابطه و اعتماد باید در متن روابط طبیعی و اعتمادی که در متن زندگی و مبارزه مشترک محک خورده باشد استوار باشد و نه داشتن یا نداشتن نشریه و یا بحث.

۳- رابط با حزب شرط حیات و ادامه فعالیت موثر هر حوزه یا واحد حزبی است. از نظر ما مهمترین وظیفه هر حوزه، واحد و یا جمع دوستدار حزب برقراری ارتباط با حزب است. این ارتباط تنها و تنها از طریق تماس با کمیته داخل حزب و یا کمیته کردستان برقرار میشود و از طریق خارج کشور ممکن است. با توجه به تسهیل مسافرت به خارج کشور میتوان مستقیماً و یا از طریق دوستان، اقوام و آشنایان مورد اعتمادتان با حزب در اروپا، آمریکا، کانادا، استرالیا، ژاپن و کردستان عراق تماس بگیرید. توجه داشته باشید که اولین طرف ارتباط شما یا باصطلاح بانه علنی حزب توسط رفقای تشکیلات خارج کشور حزب اداره میشود. در نتیجه باید بطور صریح و روشن از این رفقا خواستار تماس با کمیته داخل حزب شوید. در صورت دسترسی به تلفن امن (در خارج کشور) میتوانین با تلفن علنی حزب در سوئد تماس بگیرید. ■

بی بی سی رسانه خبری نیست، یک حزب سیاسی دست راستی است.

تحرک سیاسی آشکار مردم در ایران و زیر سوال رفتن موجودیت کل جمهوری اسلامی بار دیگر دول غربی "دینفع" را به تلاش برای شکل دادن و قبولاندن آلترناتیو خودشان و از ریل خارج کردن مبارزات آزادیخواهانه مردم علیه اسلام و رژیم اسلامی واداشته است. این البته شیوه دیرینه دول اروپا و آمریکا بوده است. در این میان ژورنالیسم نوکر در این سیستم همیشه نقش ابزاری برجسته ای داشته است. ژورنالیسم رسمی در دنیای امروز دستگاهی فاسد و اختاپوسی خفه کننده همچون کلیسا و مذهب است، البته "مستقل" از دولت، که کمر به خدمت سیستم بسته است. در این راه بی وجدان ترین و وقیح ترین پادوهای خبری و لمپن- روشنفکرها در نقش نویسنده، خبرنگار و مفسر بخدمت گرفته شده‌اند. در جنگ آمریکا علیه عراق به سخنگوی پنتاگون و وزارت دفاع تبدیل شدند و کشتار صدها هزار نفر از مردم عراق را بعنوان یک بازی کامپیوتری بخورد مردم دادند. وقتی سقوط رژیم شاه محتمل شد و به حکم کنفرانس گوادلوپ کمر بند سبز و حکومت اسلام در ایران مناسب تر تشخیص داد شد و خمینی را زیر درخت سیب نشانند، همه این رسانه‌ها به بلندگوی تبلیغی او در "طبیعی" حکومت شاه بقدرت رانده شود. بی‌بی‌سی، دویچه‌وله و سایر رسانه‌های مشابه چیزی جز این نبوده و نیستند. پادوهای خبری و بلندگوهای دروغپردازی و مهندسی افکار برای سیاست خارجی دولت متبوع خویش. اینها رسانه های خبری نیستند، دفاتر تبلیغات و پروپاگاندا و ستاد جنگ روانی دولت های غربی علیه مردم بیخاسته ایرانند. بی بی سی و امثالهم رسانه های خبری نیستند، بلکه احزابی سیاسی دست راستی‌اند با منافع ضد مردمی خویش.

رودروئی جدید مردم ایران با رژیم اسلامی و در ابهام فرورفتن سرنوشت قدرت در ایران بار دیگر چرخش این چرخ خوشنام را سرعت بخشیده است. سیاست رسمی دولتهای انگلیس و آلمان را با مضامین، موضوعات، تفسیرات و فیلترهای خبری "آطاق خبر" بی‌بی‌سی و دویچه‌وله مقایسه کنید تا انطباق زننده و وقیح آنها را ببینید. مردم به میدان آمده‌اند، کارگران در ابعادی وسیعتر از همیشه به رودروئی با رژیم پا گذاشته اند، فریاد برابری طلبی، آزادیخواهی و ضد اسلامی از هر گوشه این کشور بلند است. اما اینها وظیفه خود را می‌شناسند. عزم کرده اند تا جریان خاتمی و اپوزیسیون طرفدار خاتمی را به جامعه ایران حقه کنند. پس اینبار بجای خمینی باید میکروفون را جلوی خاتمی، کریاسچی، طبرزدی و لشگر همپالکی هایشان در ایران گرفت. دهها هزار کارگر نفت اعتصاب میکنند و علناً گلوی رژیم را میگیرند و ظاهراً این رسانه‌های محترم ضرورتی در انعکاس خبر و یا تماس با هیچیک از رهبران و فعالین این حرکت نمی یابند، اما هر عطسه آقای کریاسچی در دادگاه دهها بار گزارش میشود. دستمزد و معیشت کارگران در ابعادی باور نکردنی مورد تعرض قرار میگیرد، هزاران اعتصاب کارگری مورد یورش مزدوران رژیم قرار میگیرد اینها جانی در "اخبار" اینها ندارد در مقابل، میکروفون در دست مفسرین و "آگاهان" اقتصادی پرو رژیم قرار میگیرد تا رژیم را در مورد شیوه های "مدنی" زدن معیشت کارگران نصیحت کنند. مردم مریوان نیروهای رژیم را از شهر فراری میدهند و کنترل شهر را بدست میگیرند، کسی دنبال شناختن رهبران آنها و خواستن نظراتشان نیست. اما اظهارات طبرزدی ها و دانشجویان اسلامی شان موضوع مباحثات کشاف و "عمیق" متخصصین قرار داده میشود و، چقدر ننگ آور است، که حتی خلخالی "لیبرال شده" از بی‌بی‌سی سر در میاورد. اینها نمونه‌هایی کوچک از "ابژکتیویسم" و "استقلال" در فرهنگ این رسانه‌ها است. اینها شعبده بازان بازار مکارهای هستند که اختناق آنرا رونق بخشیده است.

یکی از نتایج اختناق در کشورهایی نظیر ایران روی آوردن همگانی به رسانه‌های دول دیگر برای کسب خبر بوده است. اقبال برنامه‌های فارسی رسانه‌های نظیر بی‌بی‌سی، دویچه وله و غیره محصول اختناق در ایران است. اینان فرزندان این اختناق هستند، با آن بدنیا آمده‌اند و بهمراه آن از بین میروند. اما تا آن زمان باید کوشید مردم ایران و بخصوص کارگر و زحمتکش این جامعه بار دیگر اسیر دنیای معوجی که این رسانه‌ها در مقابلشان قرار میدهند نشوند. حزب کمونیست کارگری ایران با تمام قوا خواهد کوشید از تجدید نمایشنامه سال ۱۳۵۷ جلوگیری کند.

حزب کمونیست کارگری ایران - کمیته داخل

۲۶ مرداد ۱۳۷۷ (۱۷ اوت ۱۹۹۸)

لاجوردی جلاد ترور شد

رژیم اسلامی داده اند. روزی که سران این رژیم، اربابان و یاران و همکاران لاجوردی، در پیشگاه مردم آزاد شده ایران به محاکمه کشیده شوند دیر نیست. آن روز تمام جهان، بر آنچه اینان با مردم کردند، خواهد گریست.

سرنگون باد جمهوری اسلامی زنده‌باد آزادی، برابری، حکومت کارگری
دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ اوت ۹۸

لاجوردی جلاد ترور شد. لاجوردی چکیده و سبیل رژیم اسلامی بود. او عامل مستقیم قتل دهها هزار تن از شریف ترین و عزیزترین انسانهای زمانه، یک نسل کامل از کمونیستها و آزادیخواهان ایران بود. دنیا بدون لاجوردی و بدون لاجوردی ها دنیای قابل تحمل تری است. مردم ایران حکم به سرنگونی

چکار باید بکنند؟ بنابراین باید راههای مناسبی برای این کار پیدا کرد. مکان و زمان میز کتاب را وسیعاً و منظماً باید تبلیغ کرد. ایده‌آل این است که هر ایرانی چه فعال سیاسی و چه غیر آن بدانند میز کتاب حزب را منظم کجا و کی میتوان پیدا کرد. بعلاوه رفقای علاقمند میتوانند در تماس با مسافرینی که در حال سفر به ایران هستند زحمت رساندن نشریه بدست آنها را بکشند و غیره.

۲- پست نشریات، اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌ها به ایران یک راه مهم دیگر
ادامه در صفحه ۳

این نشریات و ادبیات بدست کسانی که در ایران هستند و همچنین مسافرین ایرانی در خارج کشور ما در اینجا به دو شیوه اشاره میکنیم و در آخر یک نکته مهم را به اطلاعاتان می‌رسانیم.

۱- نشریات و ادبیات حزب باید بسادگی برای هر مسافری که از ایران به شهرهای عمده اروپا، آمریکا، استرالیا یا ژاپن می آید قابل دسترس باشد. میزهای کتاب تشکیلات خارج قطعاً یک راه مهم است. اما اگر کسی نداند که این میز کجاست و چه وقت‌هایی بر پا است و یا بنا به ملاحظات امنیتی نزدیک شدن به میز را صلاح نداند

اگر ایسکرای ۱۰ به دستتان نرسیده

پس از چاپ ایسکرای ۱۰ متوجه شدیم مقاله "جامعه کودکان، سکتها"، حاوی نکات و تبیین‌هایی نادرست و مغایر با مواضع حزب است و به این خاطر توزیع آن شماره را متوقف کردیم. نیاز به توضیح نیست که همواره تعدادی از مقالات رسیده برای ایسکرا به دلیل نامناسب بودن

کنار گذاشته میشوند، یا برای حک و اصلاح پس فرستاده میشوند. مقاله فوق الذکر متأسفانه سهواً بدون مطالعه و کنترل سردبیر برای صفحه بندی و چاپ ارسال شده بود. با توجه به این قصور، علیرغم پخش تیراژ محدودی در کانادا و آمریکا، بهتر دیدیم از توزیع بیشتر آن جلوگیری سردبیر

ایسکرا
سردبیر:
فاتح شیخ الاسلامی
E-Mail: fa.shaik@swipnet.se
همکار فنی:
غلام اکبری

فعالیت‌های حزب در خارج کشور

سخنرانی‌ها

آمریکا

سخنرانی فرهاد بشارت، عضو کمیته مرکزی حزب پیرامون "مذهب، سیاست: موضع کمونیست‌ها"، ۵ ژوئیه در خانه حزب لس آنجلس (نوار این جلسه در قسمت آرشیو "صدای کمونیسم کارگری" بر روی اینترنت موجود است).

مناظره و سخنرانی علی جوادی در کانون سخن در لس آنجلس ۱۷ اگوست. تیتیر بحث علی جوادی "سهم مردم از تحولات آتی" بود و متن صحبت‌های او بر روی رادیو اینترنتی "صدای کمونیسم کارگری" قرار خواهد گرفت.

(سایت "صدای کمونیسم کارگری" در همین شماره ایسکرا درج شده است)

بریتانیا

نادر بکتاش درباره: آزادی بیان، انتقاد و تحزب در ایران، شنبه یکم اوت ۹۸ در خانه حزب لندن،

اعظم کم گویان درباره: مدرنیسم، مذهب و تحولات اجتماعی در ایران معاصر، شنبه ۲۹ اوت در خانه حزب لندن

آلمان

مینا احدی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران؛ در ارتباط با رد حق تدریس یک زن افغانستانی در ایالت بادن وورتمبرگ، ۱۴ اوت خانه حزب در کلن

محمد آسنگران کادر حزب کمونیست کارگری در خانه حزب کلن پیرامون اوضاع سیاسی ایران ۳۱ جولای

محمد شکوهی کادر حزب کمونیست کارگری ایران زیر عنوان "آزادی بیان از نوع دوم" خانه حزب در هامبورگ ۲۳ جولای

نسان نودینیان، کادر حزب کمونیست کارگری ایران و عضو کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، از طرف تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران - آلمان، در مراسم پنجمین سالروز تاسیس حزب کمونیست کارگری عراق در کلن.

مصاحبه‌ها

مصاحبه رادیو فارسی زبان فرانسه با مجید حسینی کادر حزب کمونیست کارگری ایران و عضو هیات اجرایی کمیته کردستان حزب پیرامون رویدادهای اخیر در میروان و سنندج و اوضاع سیاسی در کردستان، ۱۵ اوت ۹۸

مجید حسینی در همین زمینه روز یکشنبه ۲۳ اوت با رادیو انترناسیونال در استکهلم و رادیو همبستگی در مالمو (سوئد) نیز مصاحبه داشته است.

آمریکا

علی جوادی، عضو کمیته مرکزی حزب، مصاحبه نیم ساعته با رادیو صدای آمریکا پیرامون مواضع حزب و چشم انداز تحولات آتی در ایران،

مصاحبه علی جوادی با رادیو ایران زمین (دالاس) پیرامون محاکمه کرباسچی، برکناری عبدالله نوری و سیاست اقتصادی خاتمی ۱۹ جولای

مصاحبه رادیو فرانسه با نازلی پرتوی کادر حزب کمونیست کارگری ایران و چهره سرشناس مقاومت در زندانهای جمهوری اسلامی در سالهای ۶۰ تا ۶۸، روز ۲۳ اوت روز ترور لاجوردی. همان روز رادیو صدای جدید (لس آنجلس) با نازلی پرتوی پیرامون وضعیت شکنجه‌گاههای جمهوری اسلامی، جنایات جمهوری اسلامی و ترور لاجوردی در شرایط سیاسی حاضر مصاحبه کرد. در این مصاحبه که یکساعت بطول انجامید علی جوادی عضو کمیته مرکزی حزب نیز شرکت داشت. نازلی پرتوی همان روز با رادیو ایران زمین و روز ۲۶ اوت با صدای آمریکا مصاحبه داشت. همچنین با رادیو علیرضا میبیدی یک مصاحبه یک ساعته در ۲۶ اوت داشت.

آلمان

آذر مدرسی، عضو کمیته مرکزی حزب، مصاحبه با رادیو همبستگی (کاسل) در رابطه با عضویت در حزب کمونیست کارگری ۷ اوت ۹۸

برگزار میشود:

سخنرانی نادر شریفی دبیر فدراسیون پناهندگان ایرانی در آلمان درباره ضرورت مبارزه جهانی علیه سیاستهای ضد پناهندگی اروپای واحد ۲۵ اوت، خانه حزب در هامبورگ

سخنرانی همایون گدازگر کادر حزب کمونیست کارگری ایران؛ «حفظ امنیت توجیهی برای نقض حقوق مدنی و انسانی دیگران؟» خانه حزب کمونیست کارگری ایران، کلن شنبه اوت ۹۸. (روی همین تم در خانه حزب کاسل هم جمعه ۴ سپتامبر مانی مسئول رادیو همبستگی سخنرانی دارد)

نمایش اسلاید؛ زندگینامه کارل مارکس، خانه حزب کمونیست کارگری ایران، شنبه ۱۲ سپتامبر ۹۸، از ساعت ۱۸

بیست و هفتمین برنامه خانه حزب کمونیست کارگری ایران - کاسل آلمان معرفی کتاب سیلاب اثر رضا جولانی جمعه ۲۱ اوت ۹۸

اطلاعیه‌های واحدها و کادرهای حزب

اطلاعیه دبیرخانه حزب کمونیست کارگری ایران در محکوم کردن بمب گذاری رژیم اسلامی علیه مقر مجاهدین در بغداد، ۱۱ اوت

اطلاعیه مشترک عبدالله دارابی و مجید حسینی کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران و اعضاء کمیته کردستان حزب با عنوان "مردم مبارز و آزادیخواه میروان!" (۲۲ مرداد ۷۷) در ارتباط با کشته شدن جلال پرتوی و اعتراض عمومی و گسترده مردم به این جنایت رژیم اسلامی.

"رژیم اسلامی را به گور بسپاریم!" اطلاعیه صالح سرداری کادر حزب کمونیست کارگری ایران و عضو کمیته کردستان حزب در ارتباط با همین رویداد است. (۲۵ مرداد).

"دریغ از یک جو شعور!" اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد آلمان، ۲۶ جولای ۹۸، در ارتباط با این موضوع که طی اعلامیه هائی در شهرهای هامبورگ و هانوفر آلمان، بدون ارائه سند چند تن به جاسوسی و همکاری با رژیم اسلامی ایران متهم شده اند. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد آلمان، قبلا نیز اطلاعیه دیگری در همین زمینه با عنوان "هدف وسیله را توجیه نمیکند" (۱۳ مه ۹۸) منتشر کرده بود.

"ایران امن نیست" از تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - کانادا، دعوت به آکسیون اعتراضی در ارتباط با جلسه پارلمان کانادا در ۲۱ سپتامبر پیرامون لایحه ای که ایران را امن قلمداد میکند!

"چه کسانی مانع طرح شعار مرگ بر جمهوری اسلامی در تظاهرات ونکوور شدند؟! درباره تظاهرات پناهندگان ایرانی در ونکوور در ۹ اوت توسط تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد ونکوور (۱۰ اوت).

نامه سرکشاده به مسئولین رادیو پژواک (۳) "راه مقابله با خشونت تریبون دادن به مسئولین سفارت رژیم نیست"

ایرج فرزاد، "اطلس و راه کارگر سهو" نکردند! ۵ اوت ۹۸
اطلاعیه شماره ۱۰ تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران (۱۱ اوت ۹۸): "کنگره کار کانادا، اتحادیه کارگران پست کانادا، اتحادیه خدمات عمومی و اتحادیه بیمارستانها کانادا طی نامه‌هایی به محمد خاتمی از مبارزات و مطالبات کارگران ایران حمایت کردند و خواستار آزادی کارگران زندانی شدند



ایسکرا پاسخ مسئولان حزبی به سوالات مختلف خوانندگان خود را منتشر میکند. سوالات خود را برای ایسکرا بفرستید

ایسکرا می‌پرسد

ایسکرا: بدنبال انتخاب خاتمی، اصطلاح "جامعه مدنی" در ادبیات رسانه‌های رژیم و اپوزیسیون پرو-رژیم در داخل و خارج کشور به یک تکیه کلام و ترجیح بند پرمصرف تبدیل شده است. مصرف گسترده این مقوله در این دوره چه دلیلی دارد و با توجه به اینکه عبارت "جامعه مدنی" گاهی در ادبیات کمونیسم کارگری هم بکار می‌رود، فرق بحث حزب با بحثهای جاری در این زمینه چیست؟

منصور حکمت: حزب، بعنوان حزب، بحثی درباره "جامعه مدنی" ندارد. تصور نمیکنم اگر رفقای هم در مقالاتشان این عبارت را بکار برده باشند در متن پروپلماتیک جاری اپوزیسیون مجاز ایران حرف زده باشند. عبارت جامعه مدنی در مباحثات امروز رژیم و اپوزیسیون خاتمی چی در داخل و خارج ایران، اسم رمز و علامت اختصاری ای است برای خواست مشروط شدن حاکمیت اسلام و برسیت شناسی نوعی حقوق فردی و مدنی برای اهالی و ایجاد یک قاب شبه قانونی برای رابطه رژیم با مردم. این عبارت از درون ناراضیان خود رژیم ظهور کرد و توسط خاتمی و امیدواران پیرامونی اش در خارج دولت، رواج یافت. به این ترتیب بحث جامعه مدنی به تم ثابتی در روزنامه‌ها و در میان مفسرین مجاز داخل کشور تبدیل شد و اکنون به طیف‌های وسیعتری در اپوزیسیون سرایت کرده است. آنها که داخل رژیمند معنی و کاربست این عبارت را خوب میدانند و در همان چهارچوب تقابل جناحها و مساله بقاء رژیم به آن می‌پردازند. برای آنها این عبارت، درست مانند مقولات "سازندگی"، "تساهل"، "مکتب یا تخصص"، "مرجعیت رهبر"، "انحصارگری" و غیره معنای روشنی در جنگ قدرت دارد. جامعه مدنی پرچم جناح مقابل ولایت فقیه است. اینکه خود این عبارت "جامعه مدنی" تاریخا به چه معانی ای بکار رفته است، در چه دوران و تحت چه شرایطی در تاریخ تفکر سیاسی در غرب ظهور کرده و مثلا جان لاک و مارکس و هگل چه برداشتی از آن داشته اند به بحث امروز در ایران کاملا بی‌ربط است. ناراضیان سیاسی در داخل خود حکومت، آخوندی که ریاست جمهوری رژیم را بعهد گرفته و طیفهای پیرامونی رژیم که از فعال مایشانی جناح حاکم ناخوشوندند و آن را برای عاقبت رژیم اسلامی خطرناک میدانند از مجرای این عبارت دارند شعار احتیاط و تعدیل را مطرح میکنند و جنگشان را با جناح مقابل پیش می‌برند. همه مردم خاصیت این عبارت و منشاء آن را میدانند. اما، کار یک عده هم اینست که به این جدل سیاسی رنگ یک تقابل تاریخی، معنوی و نظری مقدس بزنند. وظیفه و نقش اجتماعی روشنفکر طبقه حاکم همیشه اینست که برای خواست و عمل سیاسی زمینی و قابل فهم سیاستمداران خود روایتی ژرف اندیشانه بترشد و به این شیوه هم برای منافع طبقه خود مشروعیت و مقبولیت اجتماعی ایجاد کند و هم توده مردم کارگر و زحمتکش را از فهم روشن و دخالت مستقیم در این جدلها دور نگاه دارد. توضیح حرکات آسید محمد خاتمی و حاج آقا بهزاد نبوی، و تفسیر محاکمه کرباسچی و عزل نوری و دگراندیشی نیویافته سروش و بازنشستگی لاجوردی، نیازی به مرور نظرات هابس و هگل و مارکس در مورد جامعه مدنی ندارد. ما باید در بحث جامعه مدنی دخالت کنیم. همانطور که باید در بحث ولایت فقیه دخالت کنیم. دخالت، نه شرکت. ما باید منافع واقعی و شعارها و سیاستهایی را که تحت پوشش این بحث و این عبارات دارد طرح میشود به مردم بشناسانیم. مساله رژیم اسلامی آری یا نه، نقش خاتمی و امکان یا عدم امکان تغییر رژیم ایران از داخل، نظام سیاسی مورد خواست مردم، اینها همه بحثهای جاری و مهم در جامعه ایران هستند. اما بحث جامعه مدنی، قالبی است که یکی از مدعیان قدرت، یعنی جناح معتدل تر خود حاکمیت، میخواهد به این جدلها بزند. چاله ای است که دارند سر راه مبارزه برای آزادی در ایران میکنند. بحث جامعه مدنی نه فقط در مقابل ولایت فقیه، بلکه در برابر خواستهای رادیکال تر و صریح تر و ملموس تر مردم علم شده است: خواست آزادی، رفع تبعیض، دولت غیرمذهبی، رفاه، برابری زن و مرد، تضمین حقوق فردی و مدنی، تعقیب عاملان دو دهه جنایت اسلامی، خواست سکولاریسم، مدرنیسم، سوسیالیسم. بگذارید باز هم تکرار کنم که بنظر من کسانی که مباحث مجلات مجاز داخل را با پروپلماتیکهای واقعی جامعه اشتباه میگیرند، کسانی که شخصیتها و نیروهای اپوزیسیون مجاز را با نیروهای واقعی دخیل در سرنوشت این جامعه اشتباه میگیرند، کسانی که دنیای رسانه‌ها را جای دنیای واقعی قرار داده اند، از رویدادهای آتی ایران بشدت شوکه خواهند شد. در مسیر نبرد برای سرنوشتی، کارگران و توده مردم از این شخصیتها و این فضا و این عبارات بسرعت عبور خواهند کرد. نمیدانم چند نفر در روسیه هنوز عبارات گلاسنوست و پرسترویکا یادشان است. اینهم بحث "جامعه مدنی" آنها بود که در سیر عملی تاریخ روسیه بسرعت بی معنا شد. جدال در ایران بر سر آزادی و برابری است و آن نظام اجتماعی که میتواند تضمین کننده آن باشد. مساله به همین سادگی است.

اشکال متنوع دیگری را پیدا کنند. بخاطر داشته باشید که کمیته داخل را در جریان کارهای خود قرار دهید. این بما امکان میدهد از دوباره کاری جلوگیری کنیم و احیانا اشکالات کار را سریع تر پیدا کنیم.

اما نکته مهم این است که ما نباید به هیچ عنوان امنیت طرف مقابل در ایران را بخطر بیندازیم. دریافت نشریه از طریق شما برای طرفتان کاملا باید قابل توجه باشد. این حیاتی ترین نکته ای است که باید بخاطر داشته باشید.

حزب کمونیست کارگری ایران - کمیته داخل

۳ شهریور ۱۳۷۷ (۲۵ اوت ۱۹۹۸)

ادامه از صفحه ۲

است. در این رابطه باید توجه کرد که این نوشته‌ها باید به تعداد وسیعی از آدرسها پست شوند بطوری که آدرس دریافت کننده قابل رد گیری نباشد. بعلاوه بهتر آن است که محمولات مستقیما برای دریافت کننده ارسال نشود بلکه به آدرسهای فرستاده شود که از طریق آن طرف مورد نظر امکان دسترسی به مطالب را داشته باشد. پاکت‌ها و خط نباید یکسان باشند. این فیلتر کردن نامه‌های ارسالی را برای رژیم مشکل میکند. یکی از دلایلی که ایسکرا در صفحات محدود و در این شکل چاپ میشود همین است. ایسکرا را وسیعا بدست دوستان و آشنایانتان در ایران برسانید.

اطمینان داریم که رفقا میتوانند با بکار انداختن ابتکارات فردیشان

رویدادهای ایران

حرکت اعتراضی کارگران

کارخانه چوب ایران

طبق اطلاعات حزب کمونیست کارگری ایران - کمیته داخل (۳ شهریور - ۲۵ اوت) صدها کارگر کارخانه صنایع چوب ایران در برابر فروشگاه این شرکت در خیابان ولیعصر تهران دست به اجتماع و تحصن زده اند. این کارگران که پنج ماه است دستمزدی نگرفته اند و ماهها بین بانک ملی، بانک مسکن و سرمایه دار اصلی شرکت (بنام عبداللهی) سرگردان بوده اند، با برپایی پیکت اعلام کرده اند تا به خواستهایشان و قبل از همه دریافت دستمزدهای معوقه نرسند، محل اعتراض را ترک نخواهند کرد! این اعتراض نمونه برجسته اعتراضات گسترده ای است که علیه بیکارسازیها و تعویق پرداختها صورت گرفته است. در اول شهریور نیز دهها کارگر بیکار شده کارخانه گچ تهران در محل دفتر این شرکت در خیابان شهید سلیمان دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان حقوق خود شدند. در اطلاعات کمیته داخل تحت عنوان: "رژیم فقط برای کارگران پول ندارد!" آمده است: "کارگران سوال میکنند چگونه است که رژیم اسلامی در این اوضاع "بی پولی" پروژه موشکهای قاره پیمای در دستور دارد؟ هزینه سنگین سپاه و ارتش و دستمزد کسانی مثل سردار صفوی از کجا تامین میشود؟ کمیته های رنگارنگی که در کارخانه ها و در دل همین بحران سر بر آورده و به دستور وزیر اطلاعات و امنیت در پی شناسایی و ارباب و دستگیری کارگران مبارزند، از کجا حقوق میگیرند؟

چرا زندانبانها، بادیگارد، کمیته چی ها، گشت ثارالله، نمایندگان مجلس، امام جمعه ها و ملاها و هزاران مفتخور و سرکوبگر مردم در این بحران اقتصادی بیکار نمی شوند و دستمزدشان به تعویق نمی افتد؟ واقعیت اینست که رژیم اسلامی سرمایه در این بحران در پی حفظ خود و مناسبات گندیده سرمایه داری است. کارگران و مردم باید قربانی شوند تا رژیم سرمایه سر پا بماند. معنی "بحران است و پول نداریم" همین است! این بهانه ها برای کارگران ایران که اکنون در دل همین اوضاع سر بلند میکنند و همچون نفتگران رژیم را در سطح سراسری به مبارزه میطلبند، رنگی ندارد. پیکت و نمایش اعتراض کارگران چوب برای بیش از یکهفته در قلب تهران، گویای آن است که آنها دارند راه مقابله با تعوق در پرداختها و بیکارسازی را به تمام کارگران نشان میدهند: رژیم اسلامی باید فوراً دستمزدهای معوقه کارگران را در سراسر کشور پرداخت کند، این خواست فوری ای است که

برای تحقق آن لازم است بخشهای مختلف طبقه کارگر، شاغل و بیکار، پشت آن بروند. آنگاه که کارگران نیروی متحد سراسری خود را حول این خواست و خواستههای عاجل دیگری نظیر افزایش دستمزدها متناسب با یک زندگی مدرن انسانی و بیمه بیکاری برای همه افراد آماده بکار بالای ۱۸ سال به میدان بیاورند، نیروی عظیمی به حرکت در خواهد آمد که میتواند تمامی جامعه را از کل نکتت جمهوری اسلامی و سرمایه و بحران هایش نجات دهد."

۱۳۰۰ کارگر پالایشگاه

آبادان علیه اخراج

مبارزه میکنند!

بنا به اطلاعات کمیته داخل حزب مورخ ۸ شهریور (۳۰ اوت) تقریباً یکسال است که رژیم اسلامی میکوشد تا حدود ۱۳۰۰ کارگر پالایشگاه آبادان را که سالهاست بطور قراردادی برای شرکت نفت کار میکنند، عملاً اخراج کند. شگرد رژیم سرمایه "واگذار کردن پروژه به پیمانکاران خصوصی" است. کارگران که میدانند این مقدمه ای بر اخراج جمعی آنهاست، به اشکال مختلف علیه تصمیم مقامات رژیم به مبارزه برخاسته اند. از جمله آنها دستکم دویار در ماههای اخیر، و آخرین بار در اواخر مرداد ماه، اجتماعات اعتراضی در برابر مراکز دولتی برپا کرده اند و خواهان استخدام رسمی در شرکت نفت شده اند. در این مدت مدیریت با زدن مزایای مختلف کارگران کوشیده است آنها را تحت فشار قرار دهد. کارگران در معرض اخراج پالایشگاه آبادان عزم کرده اند که جلوی این بیکارسازی را بگیرند.

اعتراض کارگران

کارخانه الکتریک رشت

روزنامه کار و کارگر خبر از اعتراض کارگران کارخانه الکتریک رشت، که از ماه تیر حقوق دریافت نکرده اند، داده است. در این کارخانه حدود ۱۲۰۰ کارگر کار میکنند. طبق خبر در روزهای اول شهریور، کارگران معترض کارخانه الکتریک رشت در استانداری گیلان تجمع کرده و با اعتراض به این وضعیت خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده خود شده اند.

ماموران رژیم اسلامی

صدها زن را در خیابانهای

تهران دستگیر کردند

بنا به اطلاعات کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران (۲۸ ژوئیه) مزدوران رژیم، در روزهای ۳ و ۴ مرداد (۲۵ و ۲۶ ژوئیه) خیابانهای تهران را قرق کرده و به زنان حمله ور شدند و تعداد زیادی را، بخاطر عدم رعایت کامل حجاب اسلامی، دستگیر و زندانی کردند.

تعدادی از دستگیرشدگان با پرداخت جریمه نقدی آزاد و تعداد زیادی به شلاق و یا زندان محکوم شدند.

مزدوران رژیم اسلامی ۶

نفر را در سندان کشتند

اطلاعیته کمیته سندان حزب مورخ ۱۹ مرداد ماه (۱۰ اوت) خبر میدهد که روز ۲ مرداد یکی از پستهای بازرسی مدخل شهر سندان، رویروی پادگان، اتوموبیلی را که حامل ۶ سرنشین بود به رگبار بست که سه نفر از سرنشینان آن در دم کشته و سه نفر بقیه نیز بشدت زخمی شدند و ساعاتی بعد در بیمارستان درگذشتند. این عمل وحشیانه مزدوران رژیم مورد نفرت و وسیع مردم شهر سندان قرار گرفت و هزاران نفر در مراسمهای سوگواری قربانیان این جنایت شرکت کردند. کمیته سندان در اطلاعات شماره دو خود به تاریخ ۲۳ مرداد ۷۷ از مردم مبارز سندان بخاطر ابراز تنفر و وسیع در برابر این جنایت و همچنین بخاطر شرکت گسترده در اعتراض به قتل جلال پرتوی توسط مزدوران رژیم در مریوان، تقدیر کرد و آنها را به ادامه حرکت اعتراضی توده ای علیه رژیم جنایتکار اسلامی فراخواند.

نیروهای سرکوبگر رژیم

یک جوان را در شهر

مریوان کشتند

بنا به اطلاعات کمیته مریوان حزب، نیروهای سرکوبگر رژیم روز ۱۷ مرداد (هشتم اوت)، جوان ۲۵ ساله ای از اهالی شهر مریوان به نام جلال پرتوی را، که علیه کنترل سرکوبگرانه آنها اعتراض کرده بود، به گلوله بستند. جلال پرتوی بر اثر اصابت گلوله مزدوران جنایتکار جان باخت. در اعتراض به این جنایت شهر به حالت تعطیل در آمد و روز بیستم مرداد (۱۱ اوت)، جنازه جلال پرتوی با شرکت دهها هزار نفر از مردم شهر و روستاهای مریوان به خاک سپرده شد. اطلاعات شماره ۲ کمیته مریوان (۲۳ مرداد) حاکی است که مردم سندان و دیگر شهرهای کردستان تا یک هفته گروه گروه برای ابراز همدردی و همبستگی با بستگان جلال پرتوی و مردم معترض مریوان به این شهر رفته اند. طی این مدت نیروهای رژیم جرات نکردند در برابر مردم ظاهر شوند و تنها خودرو حامل نیروهای رژیم که در شهر حضور یافت مورد حمله سریع مردم قرار گرفت. علاوه بر کمیته مریوان، مجید حسینی، عبدالله دارابی و صالح سرداری اعضاء کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری طی اطلاعات هانی مردم مریوان را فراخواندند که به مبارزه پیگیر خود برای کوتاه کردن دست نیروهای سرکوبگر و خروج آنها از محیط کار و زندگی شان ادامه دهند.

علی جوادی

رسانه های عمومی یا افیون توده ها!

در حاشیه خودنمایی های یک دون کیشوت اسلامی

بنظر میرسد که رسانه های عمومی فارسی زبان در خارج ماتریال جدیدی برای مهندسی و فریب افکار عمومی مردم یافته اند. پنداری گمشده خود را پیدا کرده اند! از این رو میکروفون ها را به سمتش گرفتند. و در یک مسابقه عوامفریبی به رقابت با یکدیگر برخاستند.

اما این ماتریال جدید، این شاهزاده مسلمان رسانه های مستقل، کسی جز بازرس ویژه سپاه پاسداران جهل و خرافه و سرکوب، جوان تسبیح به دست و قرآن خوان، احمد رضائی فرزند محسن رضایی فرمانده جنایتکار و معزول سپاه پاسداران رژیم اسلامی نیست که اخیراً به آمریکا پناهنده شده است و تا اطلاع ثانوی، تا زمانیکه ارزش مصرف تبلیغاتیش به صفر برسد، در آغوش ژورنالیسم رسمی جایی پیدا کرده است. اما هدف از این تلاشها چیست؟ این تقلاها از چه روست؟ واقعیت این است که جامعه وارد دورانی از تلاطمات سیاسی شده است. رژیم اسلامی در بن بست تاریخی و اجتماعی قرار گرفته است. مردم خواهان تغییرند، خواهان نابودی رژیم اسلامی اند، و برای یک زندگی آزاد و برابر و مرفه به تکاپو در آمده اند. سیاستهای تاکنونی رژیم، سرکوب و تحمیق، هر دو کارایی خود را از دست داده است. رژیم دیگر نمیتواند به شیوه های گذشته حکومت کند، مردم هم این مجموعه کریه را نمیخواهند و با اعتراضاتشان این واقعیت را

بر روشنی نشان داده اند. همه دریافته اند که رژیم اسلامی رفتنی است. مردم پی برده اند که سرنگونی همه جانبه و کامل رژیم، پیش شرط تامین هرگونه تحول آزادی خواهانه و انسانی است. از اینرو رسانه های عمومی، ژورنالیسم رسمی همگام با سایر دستگاههای دول غربی به جنب و جوش در آمده اند.

در این راستا دون کیشوتی اسلامی را در مصاحبه ها و گفتگوهای بیشمار نماینده نسل جوان قلمداد کرده اند، تا شاید نسل جوان امروز ایران را مذهبی و اسلامی قلمداد کنند. تا شاید خواستهای مدرنیستی جامعه را دوباره در پرده سیاهی و جهل اسلامی بپوشانند. همراه با او سران رژیم را ضد قرآن و دین می نامند، تا شاید دین و مذهب را از گزند ضربات مردم حفظ نموده و دخیل در سرنوشت آتی شان نگاه دارند. از زبان او سپاه پاسداران و ارتش را تقدیس میکنند، تا شاید از فروپاشی و سرنگونی این دسته های اجیر شده و سرکوبگر در تحولات آتی جلوگیری کنند. با او مردم را به دفاع از خاتمی فرا میخوانند و دولت او را نماینده مردم معرفی میکنند، تا شاید دامنه تحولات موجود را به تعدیلاتی در چهارچوب رژیم اسلامی محدود کنند. اما کسی اسیر این تلاشهای نکبتبار نمیشود و وقعی به کوششهای این ژورنالیسم مافیایی نمی گذارد. این سناریوها تکراری است، پوشالی است. نه این حوادث جایی

مصطفی صابر

دو اجتماع اعتراضی

کارگری در تهران و آبادان

در هفته آخر مرداد دو اعتراض کارگری در مطبوعات منعکس شد. اجتماع اعتراضی کارگران نفت در آبادان در ۲۳ مرداد، و اجتماع و تحصن اعتراضی بیش از ۳۰۰ کارگر صنایع چوب ایران در مقابل فروشگاه مرکزی این شرکت، در خیابان ولی عصر تهران که از روز ۲۴ مرداد آغاز گردید. در آبادان، کارگران نفت خواهان افزایش دستمزدها شدند و بر خواست خود مبنی بر اجرای قراردادهای جمعی تاکید کردند، و مجدداً هشدار دادند که در صورت عدم رسیدگی به خواستهایشان دست به حرکتی سراسری خواهند زد. در تهران کارگران صنایع چوب که پنج ماه است دستمزدی دریافت نکرده اند، اعلام کردند تا تحقق خواستهایشان به اجتماع خود بصورت اجتماع و تظاهرات از جمله

در تاریخ خواهند داشت، نه فعل و انفعالات کنونی اجازه تکرار کمیک سناریوی بی بی سی خینی را به این ارگانسیم خواهد داد. فرار احمد رضایی نشانی از فروپاشی رژیم اسلامی است، ولی جست و خیز کنونی اش تنها نشان ابتدال ژورنالیسم فارسی زبان است.

اما در پس این تلاشها واقعیتی بزرگتر را نیز میتوان دید. از این دریچه میتوان سرشت امروزی رسانه های عمومی را مشاهده کرد. امروز رسانه های عمومی و ژورنالیسم رسمی دستگاهی است که با آن، زشتیها و محرومیت های زندگی کنونی را عادی و قابل تحمل تصویر میکنند. این ژورنالیسم دستگاهی است که از کانال آن میتوان چهره کثیف ترین، کریه ترین، ضد انسانی ترین نیروهای سیاسی را در اذهان مردم دوست داشتنی و محبوب جلوه داد. با رسانه های عمومی میتوان برای مردم رهبر تراشید. همانگونه که آخوند گمنام و مرتجع چون خمینی را رهبر مردم و انقلاب مردم را اسلامی قلمداد کردند. ژورنالیسم اکنون دستگاهی است برای بسیج افکار مردم بر علیه خودشان، برای خفه کردن، بی توقع کردن و سربریزر نگاهداشتن بی حقوقی و تبعیض مردم در اذهان و باور خودشان. امروز رسانه های عمومی کانال اصلی تبدیل سیاستهای نیروهای طبقات حاکم به آرای مردم و جامعه است.

این دستگاه مافیایی با تمام زرق و برقاش مذهب دنیای معاصر است، افیون توده ها است و بهمین گونه نیز باید با آن مواجه شد.

در وسط شهر تهران به نمایش میگذاردند. این، خاصیت سیاسی مبارزات کارگری را در این اوضاع منحول ایران بیش از پیش مورد تاکید قرار میدهد. کارگران به روشنی میدانند که برای بهبود اوضاع خود به یک مبارزه سیاسی و سراسری علیه رژیم اسلامی و علیه مناسبات بردگی مزدی حاکم بر ایران نیاز دارند. از همین رو تهدید کارگران نفت مبنی بر اقدام سراسری برای تحقق خواستهای خود، بسیار جدی و بسیار ضروری است.

کارگران ایران دوره کسب آمادگی برای ایفای نقشی تعیین کننده در صحنه سیاسی ایران را بسرعت از سر میگذارند. آنچه این دوره را کوتاهتر هم خواهد کرد تلاش گسترده و آگاهانه پیشروان و رهبران کارگری برای ایجاد و تحمیل تشکلهای توده ای کارگری، یعنی جنبش مجامع عمومی و تلاش برای منظم کردن مجمع عمومی، است.

آدرسهای تماس و حسابهای بانکی حزب کمونیست کارگری ایران

K.A.K
Box 29065
100 52 Stockholm
Sweden

Postfach 103137
50471 Köln
Germany

BM Box 8927
London WC1N 3XX
England

W.P.I
Box 719stn.P
Toronto, ONT .M5S 2Y4
Canada

Postgiro: 4492709-3
K.A.K Box 29065
100 52 Stockholm
Sweden

Z.I.KONTO: 17116703
BLZ: 10090000
Berliner Volksbank
Germany

Account No:6722-5007687
Royal Bank of Canada
10 Eglinton Ave. E
Toronto, Ont M4P 2W7
Canada

Fax: (1) 416 515 6722

E.Mail: wp.iran@mailbox.swipnet.se

تلفن تشکيلات خارج کشور
(۴۶)۰۷۰-۵۸۸۵۸۳۶
دوشنبه، چهارشنبه، جمعه ساعت ۱۴-۲۱

اطلاعیه دفتر روابط عمومی حزب کمونیست کارگری ایران

دفتر روابط عمومی حزب کمونیست کارگری ایران، مسئول تماس حزب با خبرگزاریها، رسانه ها، نهادهای اجتماعی و فرهنگی و همچنین شخصیت های سیاسی است. نهادهای علاقمند میتوانند سئوالات و پرسشهای خود در ارتباط با اهداف، سیاستها، و آکسیونهای حزب کمونیست کارگری ایران را از طریق تماس با این دفتر دریافت دارند.

به حزب کمونیست کارگری شماره فاکس کمیته داخل حزب

ایران کمک مالی کنید

۱- ۴۱۶- ۵۱۵- ۳۷۶۹